جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل: عبدالله گنجی
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری، تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۲۰۷۵- پنج خط
روابط‌عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۹، نمابر: ۸۸۴۹۸۴۶۹
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۷-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
چاپ همزمان مشهد: مجتمع چاپ و نشر روزنامه قدس

| روزنامه جوان | شماره ۴۱۲۶ | چهارشنبه ۱۳ آذر ۱۳۹۲ | اول صفر ۱۴۳۵ | اذان ظهر: ۱۱:۵۵ |
غروب آفتاب: ۱۶:۵۱ | اذان مغرب: ۱۷:۱۱ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۱۰ | اذان صبح فردا: ۰۵:۳۰ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۵۹ |

مفاتیح‌الحیات

کیفر بخل

رسول خدا (ص) می‌فرماید: بخیل، از خدا، بهشت و مردم دور و به آتش دوزخ نزدیک است؛ باز می‌فرماید: هیچ بخیلی وارد بهشت نگردد.

پایتخت ۳ را هم تنابنده می‌نویسد

محسن تنابنده سرپرست تیم نویسندگان سری سوم «پایتخت» روز گذشته در گفت‌وگو با «جوان» از نگارش فیلمنامه این اثر خبر داد و گفت: هنوز مشخص نیست که نگارش فیلمنامه «پایتخت ۳» چه زمانی به اتمام می‌رسد.

به گزارش «جوان»، پس از موفقیت سری اول و دوم سریال پایتخت در جذب مخاطب، سیروس مقدم سرانجام هفته گذشته ضمن اعلام خبر کلید خوردن سری سوم این سریال اظهار کرد که قرار است برای فعالیت‌های مقدماتی سریال عازم کشور ترکیه شود. این در حالی است که نگارش قسمت‌های ابتدایی سریال توسط تیم نویسندگان سری‌های پیشین محسن تنابنده، خشایار الوند و حسن وارسته انجام شده است. در همین خصوص محسن تنابنده با اشاره به اینکه گروه تمام سعی خود را به کار گرفته است تا پایتخت ۳ را به آنتن نوروز ۹۳ شبکه اول سیما برساند، گفت: فعلاً زمان نهایی تکمیل فیلمنامه مشخص نیست و تیم نویسندگان این روزها مشغول نگارش سری سوم این سریال هستند.

البته چند روز پیش خبری در رسانه‌ها منتشر شد که شوک بزرگی به طرفداران پایتخت وارد کرد، خبری که گویای حضور نداشتن احمد مهرانفر در سری سوم سریال بود و در نهایت مثل اینکه فیلمنامه پایتخت ۳ بدون حضور مهرانفر نوشته می‌شود و این بار نقی و خانواده‌اش گنبد و گلدسته به خارج از مرزهای کشور می‌برند و این مسئله زمینه‌ساز اتفاقات می‌شود. با توجه به موفقیت‌های سری اول و دوم این سریال، طرفداران پایتخت روزها در انتظار شب‌های نوروز ۹۳ و خاطره دوباره پایتخت هستند.

مدیران فجر نسبت به ورود بعضی از فیلم‌های بی قاعده به جشنواره هوشیار باشند

فیلم‌های بدون مجوز پاشنه آشیل جشنواره فیلم فجر

گزارش یک
مصطفی شاه کرمی

کشورهای صاحب سبک و اثر در حوزه سینما سعی می‌کنند با برپایی جشنواره‌های موضوعی یا غیرموضوعی متنوع و مختلف و با تولید آثاری برگرفته از ریشه‌های تمدنی و فرهنگی‌شان، ضمن هنرنمایی داشته‌هایشان را در دسترس دیگر اقوام و ملل قرار بدهند. هر ساله با آغاز ایام‌سالروز پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ماه جشنواره بین‌المللی فیلم فجر تبدیل به ویترین نمایش آثار و تولیدات یکسال گذشته فیلمسازان کشورمان می‌گردد. این جشنواره هرساله با حواشی و مباحث مختلفی برگزار می‌شود اما جشنواره امسال از جهات مختلفی نسبت به دوره‌های قبل تفاوت‌هایی دارد که هر کدام از این تفاوت‌ها در جایگاه خودشان، به‌منظور تحلیل و بررسی ابعاد و مباحث مرتبط با جشنواره و فیلم‌های شرکت‌کننده در آن، قابل توجه، حساسیت و بررسی هستند.

■ محسنات و مشکلات فجر سی و دوم

جشنواره فجر امسال صرفنظر از برخی احتمالات، با دو مشکل عمده مواجه است که کار مسئولان و به خصوص دبیر آن آقای علیرضا رضادار را تا حدودی سخت‌تر می‌کند. مسئله اول آن مربوط به فیلم‌های توقیفی است که به تبع برخی اظهارات و تحرکات قابل تأمل مسئولان سازمان سینمایی و وزارت ارشاد در حوزه‌های مختلف، باعث بالا رفتن انتظارات ویژه و خاص تعدادی از صاحبان آثار توقیفی شده و حتی زنده شدن امید اخذ مجوز نمایش و اکران تولیداتشان در سینماهای کشور را فراهم کرده است. این موضوع هم به عنوان اولین مشکل این دوره از جشنواره به حساب می‌آید که هم مواجه شود، تا حدودی قابل پیش‌بینی است.

■ اولین مشکل

به نظر می‌رسد یکی از چالش‌هایی که دبیر جشنواره با آن روبه‌رو خواهد شد، مربوط به برخی از فیلم‌های توقیفی و فیلم‌هایی است که بدون اخذ و گذراندن پروسه مجوز و «پروانه ساخت» ساخته شده‌اند. با توجه به جابه‌جایی مدیران در بخش‌های مختلف بدنه دولت، بالأخص وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت سینمایی و بخش‌های زیرمجموعه آن که متولی و برگزارکننده اصلی سی و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر هستند، به تبع تغییر فضایی که به وجود آمده است شاید برخی از افراد گمان می‌کنند یا انتظار دارند که برای چنین فیلم‌هایی (فیلم‌های توقیفی و بدون پروانه ساخت) امکان نمایش به وجود بیاید.

در این زمینه می‌توان به فیلم‌هایی مثل «گس» به کارگردانی کیارش اسدزاده، «مهمونی کامی» به کارگردانی علی احمدزاده، «لرزاننده چربی» به کارگردانی محمد شیروانی و «قصه‌ها» به کارگردانی رخشان بنی‌اعتماد اشاره کرد که جملگی پس از تکمیل فرم ثبت نام و شرکت در جشنواره برای هیئت انتخاب سی‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر ارسال شده‌اند. توجه به این مسئله از آن جهت حائز اهمیت است که این فیلم‌ها مجوز قانونی و پروانه ساخت ندارند، به همین علت ایجاد یا داشتن توقع حضور در جشنواره از جانب مسئولان، صاحبان اثر و تولیدکنندگان آنها مغایر با قوانین و مقررات وزارت ارشاد است. این چالش را مسئولان سازمان سینمایی و متولیان اجرایی جشنواره امسال باید بتوانند مدیریت و حل کنند. چه اینکه محتوای برخی از این فیلم‌ها به گونه‌ای نیست که منتقدان متدین و دغدغه‌مند نسبت به آنها سکوت کنند، در نتیجه یکی از سخت‌ترین مراحل جشنواره فجر کنترل این مبحث است.

به هر حال در فضایی که ایجاد شده قطعاً افراد فرصت‌طلب چندگامی را بر خواهند داشت، فلذا دبیر جشنواره و دیگر دوستان باید تلاش کنند تا این موارد را پیش‌بینی و مدیریت کنند. لازمه این پیشگیری و مدیریت هم این است که دوستان از همین حالا به فکر چاره‌اندیشی باشند. در واقع آقای رضاداد باید برای هر فیلم یک برنامه‌ریزی و سناریوی خاص خودش را طرح‌ریزی کند تا ان‌شاءالله بتوانیم جشنواره‌ای داشته باشیم که بتوانیم نام «جشنواره بین‌المللی فیلم فجر» را بر آن بگذاریم!

■ دومین مشکل

مشکل دوم و البته حاشیه‌سازترین مسئله در رابطه با این دوره از جشنواره فیلم فجر، حضور فیلم‌های ویدئویی است که بدون داشتن پروانه ساخت فیلم سینمایی تولید شده‌اند و داعیه و مدعای شرکت در این دوره از جشنواره را دارند. توثیق‌کننده این مبحث پرکردن فرم مخصوص فیلم‌های خواستار شرکت در جشنواره فیلم فجر و نیز انتشار برخی مصاحبه‌ها، گزارشات و اخباری است که در بین رسانه‌های اصطلاحاً زرد یا اجاره‌ای قابل تأیید و احصا است.

نمونه و شاهد مثال این بخش فیلم «این یک رؤیا نیست» به کارگردانی محمود غفاری که با مجوز تولید و ساخت فیلم «ویدئویی» و نه «سینمایی» ساخته شده نیز یکی دیگر از این چند فیلم مسئله‌دار محسوب می‌شود که فرم شرکت در جشنواره را پر و اثر خود را برای تأیید هیئت انتخاب به دبیرخانه جشنواره فجر ارسال کرده است.

■ پرهیز از سیاسی‌کاری!

موضوعی که خیلی حائز اهمیت است، اینکه جشنواره فجر باید تلاش کند تا به یک جشنواره سیاسی تبدیل نشود و از هر تصمیم و اقدامی که بتواند چنین شائبه و شبهه‌ای را در اذهان ایجاد کند، دوری کنند. جشنواره فیلم فجر باید جوری عمل کند که «اعتدال» در همه زمینه‌هایش معلوم و مشهود باشد و ما شاهد این نباشیم که افراطی‌گری یا تمایل به سمت یک گروه یا جناح خاص، جشنواره را به سمت حاشیه بکشاند.

با توجه به تمامی مباحث مطروحه و همچنین رصد اتفاقات عرصه سینمایی کشورمان به نظر می‌رسد مسئولان سازمان سینمایی و وزارت ارشاد بتوانند به دور از هر گونه زنده باد و مرده باد جهت‌دار با به کارگیری درایت و تدبیر جشنواره فیلم فجر امسال را به شکلی خوب برگزار کنند. هر چند در این بین شاید لازم باشد که مسئولان ارشد فرهنگی کشور برخی افراد حاشیه‌ساز، انتقامجو و تمامیت‌خواه را از اطراف‌شان دور کنند.

چه اینکه بسیاری از افراد کج‌اندیش و دگم در عرصه حضور دارند که استمرار دوران مسئولیت و مدیریتشان را در حذف تفکرات پویا و فعال می‌دانند. نکته آخر اینکه نباید به خاطر حب و بغض‌هایی که منشأ نفسانی دارند، فرصت خدمت کردن به ارزش‌ها، اصول و آرمان‌های اسلام مظلوم و عزیز را فراموش کنیم.

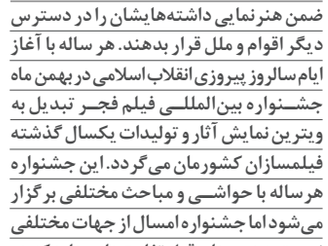

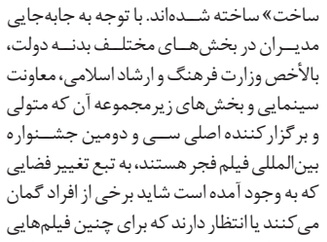

دبیر جشنواره باید فکر و تدبیری خاص در رابطه با آنها به کار بگیرد. در جشنواره امسال حضور فیلمسازانی مثل ابراهیم حاتمی‌کیا با فیلم «چ» و مجید مجیدی با فیلم «محمد» (ص) قطعاً باعث رونق بیشتری در جشنواره فجر می‌شود، اما از طرفی احتمال اینکه جشنواره امسال با مشکلاتی

ترکیه خود را مالک میراث معنوی سنت قهوه‌خانه در جهان دانست

میراث مشترک قهوه‌خانه هم به پای اهمال سوخت

دیدگاه
الناز خمامی‌زاده

علاوه بر بازی «چوگان» که بنا به اهمال مسئولان کشورمان به نام «جمهوری آذربایجان» در یونسکو ثبت می‌شود، اکنون نیز خبرها حاکی از کلید خوردن ثبت جهانی سنت «قهوه‌خانه» به نام کشوری چون ترکیه است. ایران در حالی بار دیگر از احقاق حقوق خود در راه ثبت جهانی مواریث مشترک منطقه باز می‌ماند که پیش‌تر از سوی ایران پرونده «طب سنتی» به عنوان میراث ناملموس کشورمان به یونسکو معرفی شده است؛ پرونده‌ای که اگر یک سال دیرتر هم به یونسکو معرفی می‌شد، از دست‌اندازی کشورهای دیگر مصون بود و همچون مواریث معنوی چون «چوگان» و «سنت قهوه‌خانه» نمی‌سوخت!

هشتمین اجلاس سالانه کمیته میراث ناملموس سازمان جهانی یونسکو که از روز دوشنبه این هفته آغاز شده و تا شنبه آینده ادامه خواهد داشت، بدون شک حاوی اخبار ناخوشایندی برای میراث فرهنگی تمدن ۷ هزار ساله ایران خواهد بود که به تدریج و در طول هزاره‌ها شاهد پرورش فرهنگ‌ها و آداب و سنن مختلف بوده است. جمهوری آذربایجان پرونده کاملاً ایرانی «چوگان» را به یونسکو ارسال کرده است. این کشور تازه استقلال‌یافته پرونده «چوگان» را با اهداف تجزیه‌طلبانه‌ای که رؤیای موهومش است به یونسکو فرستاده و در درخواست خود ادعا کرده است که رام کردن اسب در جمهوری آذربایجان از هزاران سال قبل رواج داشته است که یکی از دلایل اصلی آن نیز تربیت اسب‌ها برای بازی چوگان بوده است! در واقع به نظر می‌رسد که آذربایجانی‌ها پیش از ارائه این توضیح، گریزی به تاریخچه مطول ایرانیان زده باشند که در تاریخ به عنوان اولین پرورش دهندگان اسب شناخته می‌شوند!

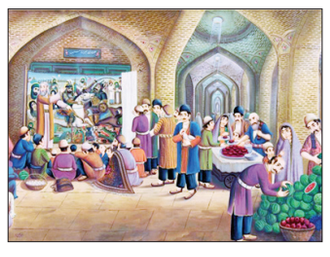

میراث معنوی «چوگان» در هشتمین اجلاس سالانه میراث ناملموس یونسکو به نام آذربایجان ثبت خواهد شد، چراکه آذربایجانی‌ها زودتر از مسئولان اسبق سازمان میراث فرهنگی ضرورت چنین اقدامی را درک کرده‌اند و نیز در سال جاری این اجلاس به میزبانی آذربایجان در باکو و نیز به ریاست ابوالفضل قارایف، وزیر فرهنگ و گردشگری جمهوری آذربایجان برگزار می‌شود که جای نداشتن ایران در میان ۲۱ عضو کمیته بین الدول جملگی مزید بر این علت خواهد بود، اما موضوع نگران‌کننده دیگر، معرفی پرونده سنت «قهوه‌خانه» از سوی ترکیه به یونسکو است که در صورت تصویب این پرونده، ایران به غیر از مواریثی چون «چوگان»، «تار»، «موسیقی عاشقی» و «فرش آذربایجان» یکی دیگر از بازمانده‌های میراث معنوی و فرهنگی خود را از دست می‌دهد، آن هم در شرایطی که اگر قهوه‌خانه میراث معنوی خاص ایران نباشد اما بدون شک میراث مشترک منطقه است که از دل آن ادبیات و هنرهای قهوه‌خانه‌ای اعم از تعزیه، شاهنامه‌خوانی، نقالی و نقاشی قهوه‌خانه‌ای بیرون آمده است، هر چند جای امیدواری است که هنر نقالی پیش تر در ششمین اجلاس میراث ناملموس یونسکو به نام ایران ثبت جهانی شده است.

سنت «قهوه‌خانه» در حالی به نام ترکیه ثبت می‌شود که پیشینه نخستین قهوه‌خانه‌ها در ایران به دوره صفویان و به احتمال زیاد به زمان سلطنت شاه طهماسب (۹۳۰- ۹۸۴ق) در شهر قزوین باز می‌گردد و در زمان آقامحمدخان قاجار در شهر تهران که جمعیتی حدود ۲۵۰ هزار نفر داشته، تعداد قهوه‌خانه‌ها به ۴ هزار و ۳۰۰ تا ۴ هزار و ۵۰۰ باب می‌رسیده که این خود نشان از رونق و اهمیت قهوه‌خانه در جامعه آن روزگار داشته است، اگرچه باید به جایگاه مهم و عمیق قهوه‌خانه‌ها در فرهنگ ترکیه نیز اعتراف کرد اما هنوز کارشناسان درباره تقدم و تأخر شکل‌گیری قهوه‌خانه‌ها در فرهنگ دو کشور اظهارنظری نکرده‌اند.

نما | حسین کشتکار

می‌توان با هر علتی، اثر واقعی برجا گذاشت

از سوی یک مسئول در وزارت ارشاد

«ممنوع‌القلم» هم تکذیب شد

وزیر ارشاد اما یک فهرست سیاه بی‌نام و نشان دیگر ارائه داد

گزارش ۲
عبدالله کاردان منش

یک هفته پس از ارائه گزارش عملکرد یکصد روزه رئیس‌جمهور در رسانه ملی که طی آن رئیس‌جمهور وعده داد وزرای دولت در طول یک هفته آینده در گزارش‌هایی جداگانه به ارائه کارنامه فعالیت خود در این مدت خواهند پرداخت، علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در تازه‌ترین گفت‌وگوی خود که از طریق روزنامه ارگان دولت در سراسر کشور توزیع شد در واکاوی کارنامه ۱۰۰ روزه فعالیت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سخن از وجود لیست سیاهی از ناشران در وزارت متبوعش در دولت قبل به میان آورد که ناشران حاضر در آن از هر نوع فعالیت در زمینه نشر منع شده بودند.

این سخنان در کمتر از یک هفته پس از اظهارنظر رئیس‌جمهور مبنی بر وجود نویسندگان ممنوع‌القلم در کشور عنوان شد که طی آن دکتر روحانی از تبدیل شدن آنها به نویسندگان سریع‌القلم در مدت فعالیت یکصد روزه دولت خود در حوزه فرهنگی خبر داده بود. علی جنتی اما در اظهارات تازه خود صحبت از لیستی ۵۰ نفره از ناشران به میان آورده که به تعبیر وی، لیست سیاه فعالیت در حوزه نشر بوده است. وی در این رابطه به دیدارش با جمعی از ناشران پس از تصدی خود سخن به میان آورده است که وقتی با وی دیدار کردند، همگی از فعالیت معلق بودند یا پروانه فعالیت آنها لغو شده بود یا اینکه محدودیت‌هایی برای فعالیت آنها ایجاد شده بود از جمله اینکه از ورود به نمایشگاه بین‌المللی کتاب منع شده بودند. وی همچنین افزوده است: برخی از ناشرانی که کتاب‌های خوب و در راستای منافع جمهوری اسلامی و متناسب با فرهنگ ما منتشر می‌کردند فقط به خاطر انتشارات و نام آنها، کتاب‌هایشان ممنوع بود و از چرخه نشر خارج می‌شد. حتی برخی از کتاب‌ها را به جای اینکه به حوزه فرهنگی تحویل دهند، به حراست منتقل می‌کردند.

جنتی همچنین تصریح کرده که برخی از کتاب‌ها و ناشرانی که عنوان ممنوعه را بر خود می‌دیدند، از سوی وزارت ارشاد صاحب این عنوان شده بودند. این اظهارات در حالی صورت می‌گیرد که تا این لحظه هیچ ناشر یا مسئول دیگری در وزارت ارشاد فعلی و سابق در مورد این لیست سیاه اظهارنظر نکرده و ابعاد آن را به طور صریح و شفاف روشن نساخته است. هفته گذشته پس از طرح عنوان نویسندگان ممنوع‌القلم، در جامعه ادبی نیز واکنش‌های متفاوت و به طور عمده منفی نسبت به این موضوع مطرح شد تا جایی که حتی برخی از مدیران فعلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از جمله سرپرست فعلی اداره کتاب نیز از وجود چنین نویسندگانی اظهار بی‌اطلاعی کردند. شاید شاه‌بیت این اظهارات را بتوان در سخنان سرپرست اداره کتاب جست‌وجو کرد که گفت: سابقه بنده از آقایان دری و پرویز در وزارت ارشاد بیشتر است و اعلام می‌کنم که در هیچ دوره‌ای نویسنده ممنوع‌القلم نداشته‌ایم و حتی آثار برخی افراد هم که با نظام زاویه داشته‌اند، در داخل کشور منتشر می‌شده است.

کمالی‌نژاد در همین زمینه در پاسخ به این سؤال که آیا نویسنده‌ای که شش یا هفت سال یا حتی بیشتر کتاب‌هایش اجازه چاپ نگیرد، خود به خود از نظر وزارت ارشاد ممنوع‌القلم است؟ افزوده است: من ندیده‌ام که کسی شش یا هفت سال کتاب‌هایش اجازه چاپ نداشته باشد. با این وجود وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بار دیگر در گزارش عملکرد فعالیت خود ترجیح

داده است تا سخن از لیستی به تعبیر خود سیاه به میان آورد که ناشران فعال در آن از فعالیت منع شده بودند. لیستی که وی ترجیح داده است تا از بردن اسامی ناشران موجود در آن و نیز چرایی ممنوع شدن فعالیت آنها در دولت گذشته سخنی به میان نیاورد تا بار دیگر بازار گمانه‌زنی‌ها و اظهارنظرها در مورد این لیست و حاضران موجود در آن تقویت شود. مشخص نیست وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مدیران آن در مدت گذشته از فعالیت خود چرا به جای اظهارنظرها و ارائه شفاف آنچه کارنامه فعالیت فرهنگی وزارت ارشاد سید محمد حسینی و سه معاون فرهنگی دوران وزارت اوست، تنها بر بیان غیرشفاف و توأم با ابهام در مورد آنچه در معاونت فرهنگی وزارت ارشاد در چهار سال قبل گذشته است، متمرکز شده‌اند.

ماجرای طرح لیست سیاه ناشران در صورت بیان غیرشفاف و غیرصریح مسئولان معاونت فرهنگی در مورد آن در کنار موضوع نویسندگان ممنوع‌القلم که طرح آن در هفته گذشته با علامت سؤال و ابهام‌های زیادی مواجه می‌شود، بدون شک یک نمره منفی در نگاه و عملکرد مسئولان این معاونت و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به بار خواهد آورد که در کمترین شکل ممکن زمینه را برای پذیرش بسیاری از وعده‌ها و فعالیت‌های آتی آنها در روزهای باقیمانده از مسئولیت‌شان در پیشگاه اذهان عمومی با علامت سؤال جدی روبه‌رو خواهد کرد و این به عبارت ساده‌تر یعنی ادامه دنباله‌دار بی‌اعتمادی به این بازوی مدیریتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

آغاز خودجوش عرضه کتاب «ریشه‌ها» در دانشگاه‌های کشور

خبر

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شاهد اقدام به برپایی نمایشگاه کتاب برای دانشجویان می‌کند. برگزارکنندگان این نمایشگاه از عرضه کتاب «ریشه‌ها» در این نمایشگاه خبر دادند.

به گزارش «جوان»، انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شاهد اقدام به برپایی نمایشگاه کتاب برای دانشجویان می‌کند. در این نمایشگاه قرار است کتاب‌هایی درباره ۱۶ آذر و رمان‌هایی با محوریت محرم حسینی به دانشجویان عرضه شود. برگزارکنندگان این نمایشگاه از عرضه کتاب «ریشه‌ها» به نویسندگی آلکس هالی به صورت ویژه در این نمایشگاه خبر دادند. «ریشه‌ها» زندگی یک خانواده امریکایی و نیاکانش را به تصویر می‌کشد. پیام محوری این داستان، وضعیت نابسامان امریکاییان آفریقایی‌تبار و بیان رنج‌ها و کاستی‌های زندگی آنها در دوران برده‌داری و پس از آن است. نویسنده در این کتاب به شناساندن مفاهیم تبعیض نژادی، بردگی، بیگاری و زیر تملک دیگران بودن می‌پردازد و آن را محکوم می‌کند.

یادداشت

محمد حسین جعفریان

دنیای مدرن با بردگان و اربابان تازه‌اش!

رفته بودم لباس بخرم. فروشنده چند پیراهن و شلوار عجیب و غریب گذاشت روی پیشخوان و در مرغوبیت آنها داد سخن داد. مثل یک نوار ضبط شده جملاتی را مسلسل‌وار می‌گفت. محور سخناش هم خارجی بودن لباس‌ها و مد روز بودنشان بود. پرسیدم، به نظرت آدمی به شکل و شمایل و سن و سال من ممکن است چنین لباس‌هایی بپوشد؟... طرف کمی جا خورد. اما کوتاه نیامد. آمار داد که طی دو روز گذشته بیش از ۱۵۰ جفت از آن پیراهن و شلوار را فروخته است و حالا نوبت من بود که جا بخورم!

شلوار مورد نظر یک جین آبی بود که البته رنگ‌های دیگرش را هم داشت. خشتک آن نزدیک زانوها و جیب‌های پشت زیر زانو و قریب به پاچه‌ها دوخته شده بودند. باز اینها قابل تحمل بود. اما قسمت‌هایی از آن بی‌هیچ دلیل پاره و ریش‌ریش شده بود. تا آنجا که عقل من قد می‌داد، در گذشته لباسی که پاره شده را به دست خیاط می‌سپردند تا بدوزد یا رفو کند. نمی‌توانستم بفهمم که چطور حالا مردم لباس‌هایشان را ممکن است به خیاط بدهند تا برایشان پاره کند یا یک لباس نو را به خاطر این ویژگی بخرند. حقیقت آن است که به قول دوستی، مدت‌هاست که دیگر مردم جهان شبکه‌های تلویزیونی را نمی‌بینند و کنترل تلویزیون‌ها در دست آنها نیست. بلکه این رسانه‌های دیداری و شنیداری هستند که آنها را می‌بینند و کنترلشان را در درست دارند. امپراتوری جهان رسانه و تبلیغات در حرکت نامحسوس و خزنده میلیاردها نفر را در سراسر جهان عملاً به گروگان گرفته و آنها را برده خود ساخته است. به نام مد و تجدد و با هجوم به ارزش‌های اصیل گذشته، از نوع غذا و پوشش تا اعتقادات متافیزیکی بسیاری را به بازی می‌گیرد. کار را تا آنجا پیش می‌برد که برخی از ما را وادار می‌کند لباسی را که آنها می‌خواهند بپوشیم، اگرچه هیچ تناسبی با پوشش انسانی به معنای درست آن ندارد. خشتکش جای دیگری است. پاچه شلوارش آنقدر کوتاه است که... و جیب‌هایش سر جای خودشان نیستند و حتی آنقدر برای اثبات سیطره خود پیش می‌روند که آن را پاره پاره می‌کنند و به نوعی به برخی از ما پیغام می‌دهند که؛ بدبخت! حتی اگر با این نوع پوشش تحقیرت کنم و به بازی‌ات بگیرم، باز هم مجبوری آن را بپوشی. مجبور که هیچ، ۶۰۰ هزار تومان هم از پولی که باید صرف غذا، کتاب، رفاه زندگی و خانواده‌ات کنی نیز پای آن خواهی پرداخت... بله! ۶۰۰ هزار تومان! این پولی بود که آن فروشنده برای آن لنگ پاره طلب می‌کرد.

بدبختانه این سیطره زندگی بسیاری از انسان‌ها را در تمامی گیتی به تباهی می‌برد بی‌آنکه خود بدانند کاری می‌کنند که به این تباهی افتخار هم بکنی و فخر هم بفروشی و دیگرانی را که دم به تله نداده‌اند، حقیر بپنداری. برایت تصمیم می‌گیرند که در اتاقت تصویر چه کسی را بچسبانی! چه رنگی برایت مهم باشد. از چه کسی نفرت داشته باشی و کلاهت را برای چه کسی از سر برداری... خوشبخت آنهایند که خود از مناظر مورد علاقه‌شان عکاسی می‌کنند و آن را به دیوار اتاقشان می‌چسبانند و قادرند از کنار تمام این وسوسه‌ها عبور کنند و بندگی گرفتاران در این گرداب را ببینند. خوشبخت آنهایند که قدرت انتخابشان غیرفعال نیست. حقیقی است. نه آنکه انتخاب آنها را نادانسته، انتخاب و ذائقه خود تصور می‌کنند... غلام همت آنم که زیر چرخ کبود/ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است!

نکته

واکنش وزیر سابق ارشاد به اظهارات روحانی

وزیر ارشاد دولت دهم با اشاره به برخی تبلیغات مبنی بر اینکه افرادی ممنوع‌القلم شده‌اند، گفت: من تعجب کردم که می‌گفتند افرادی ممنوع‌القلم هستند، چراکه این نوعی تصویر خفقان از ایران را در خارج از کشور ایجاد می‌کند.

سیدمحمد حسینی در حاشیه همایش بین‌المللی بسیج و رسانه در جمع خبرنگاران اظهار کرد: در سال ۸۸ و در داستان فتنه دیدیم برخی تعبیری داشتند که از آن با عنوان انقلاب توئیتری یاد می‌کردند و به دنبال بهره‌برداری از این ظرفیت در شبکه مجازی بودند. وی افزود: تصور می‌کردند با انبوه افراد و کاربرانی که دارند می‌توانند تأثیرگذار در افکار مردم باشند، اما در نهایت فهمیدند که فضای مجازی با واقعیت‌های جامعه تطابق ندارد و از همین حیث راه به جایی نبردند.

وزیر ارشاد دولت دهم خاطرنشان کرد: آنان همچنان از این ابزار استفاده می‌کنند و ما باید به دنبال راهکارهایی برای مقابله با آن باشیم که البته برگزاری نشست‌هایی نظیر بسیج و رسانه در تصمیم‌گیری‌های صحیح و درست به ما کمک می‌کند.

حسینی با اشاره به ضوابط نشر کتاب تأکید کرد: ضوابط نشر کتاب در سال ۸۹ و در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شد و وزارت ارشاد مجری این مصوبات است و کسی نمی‌تواند تخلف کند. وی تأکید کرد: معمولاً تمامی کتاب‌ها ارزیابی و بررسی می‌شود، البته برخی کتاب‌ها نظیر کتاب‌های علمی به ارزیابی زیاد نیاز نداشته و در یک یا دو روز به آنها مجوز داده می‌شد. بیشتر کتاب‌هایی با متون حساس که نیاز به دقتی بیشتر داشت به صورت ویژه بررسی می‌شد اما تعداد کتاب‌های اصلاح شده در برابر اخذ مجوز بیش از ۶۵ هزار عنوان کتاب در سال بسیار محدود و ناچیز بود. وزیر ارشاد دولت دهم تأکید کرد: این مسئله اصلاح کتاب و نشر مسئله اصلی حوزه کتاب نیست بلکه مسائل مهم‌تری نظیر چاپ و دیگر بخش‌ها هم وجود دارد و این آدرس غلطی است که برخی بخواهند بدون هیچ حد و مرزی هرچه خواستند بنویسند و ارزش‌های نظام را نادیده بگیرند. آنان این مسئله را عنوان می‌کنند که البته تعداد آنها بسیار اندک است.

حسینی گفت: اینکه می‌گفتند برخی افراد ممنوع‌القلم هستند برای من جای تعجب بسیار داشت، ممکن است فردی در چاپ یک اثر خود ممنوع باشد اما آثار دیگری از آن منتشر شده و در تمام عرصه‌های تلویزیون و رسانه‌ها حضور دارد. باید بدانیم که عنوان ممنوع‌القلم بودن عنوانی است که در خارج از کشور خفقان در اینجا را به تصویر می‌کشد. به گفته وی، کسانی که صحبتی دارند باید به طور دقیق بیایند و مسائل خود را بیان کنند.